

فهرست کتاب

www.ketab.ir

سارا نیشا آدمی

ترجمه‌ی فاطمه جابیک



نشر میلکان

www.ketab.ir

سرشناسه: آدامز، سارا نیشا، Adams, Sara Nisha

عنوان و نام پدیدآور: فهرست کتاب: نوشته‌ی سارا نیشا آدامز؛ ترجمه‌ی فاطمه جابیک.

مشخصات نشر: میلکان، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۴۱۵ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۵۴-۳۷۴-۷

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

عنوان اصلی: The Reading List, 2021

موضوع: داستان‌های انگلیسی، قرن ۲۱م.

شناسه‌ی افزوده: جابیک، فاطمه - مترجم

رده‌بندی کنگره: PZ۴

رده‌بندی دیویی: ۸۲۳/۹۲

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۸۸۸۸۲۵۲

فهرست کتاب
سارا نیشا آدامز
ترجمه‌ی فاطمه جابیک
ویراسته‌ی زینب حسینی

مدیر تولید: کاوان بشیری
صفحه‌آرایی و آماده‌سازی: واحد تولید کتاب میلکان

www.ketab.ir

چاپ اول، ۱۴۰۱
تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۵۴-۳۷۴-۷



نشر میلکان

www.Milkan.ir
info@Milkan.ir

بیشگفتار. ۱۱

بخش اول

همسر مسافر زمان. ۱۷

فصل اول: موکش. ۱۹

فصل دوم: آیشیا. ۳۱

فصل سوم: موکش. ۴۱

فهرست کتاب: کریس. ۴۹

بخش دوم

کشتن مرغ مقلد. ۵۳

فصل چهارم: آیشیا. ۵۵

فصل پنجم: موکش. ۷۱

فصل ششم: آیشیا. ۸۳

فصل هفتم: موکش. ۹۵

فصل هشتم: آیشیا. ۹۹

فهرست کتاب: ایندیرا. ۱۰۷

فصل نهم: موکش. ۱۱۱

فهرست کتاب: لئونورا. ۱۱۹

فصل دهم: موکش. ۱۲۳

بخش سوم

ریکا. ۱۳۳

فصل یازدهم: آیشیا. ۱۳۵

فهرست کتاب: ایزی. ۱۴۷

فصل دوازدهم: موکش. ۱۵۱

بخش چهارم

بادیادک باز. ۱۶۵

فصل سیزدهم: آلیشیا. ۱۶۷

فصل چهاردهم: موکش. ۱۷۵

فهرست کتاب: جوزف. ۱۸۳

فصل پانزدهم: آلیشیا. ۱۸۷

فصل شانزدهم: موکش. ۱۹۳

بخش پنجم

زندگی پی. ۱۹۷

فصل هفدهم: آلیشیا. ۱۹۹

فهرست کتاب: جی جی. ۲۰۹

فصل هجدهم: موکش. ۲۱۳

فهرست کتاب: ایندیرا. ۲۲۷

بخش ششم

غرور و تعصب. ۲۳۱

فصل نوزدهم: آلیشیا. ۲۳۳

فصل بیستم: موکش. ۲۴۱

فهرست کتاب: ایزی. ۲۴۷

فصل بیست و یکم: آلیشیا. ۲۵۱

فصل بیست و دوم: موکش. ۲۶۳

فصل بیست و یکم: آلیشیا. ۲۷۵

فصل بیست و چهارم: موکش. ۲۸۳

بخش هفتم

زنان کوچک. ۲۸۹

فصل بیست و پنجم: آلیشیا. ۲۹۱

فصل بیست و ششم: آلیشیا. ۳۰۳

بخش هشتم

دلیند. ۳۱۱

فصل بیست و هفتم: آلیشیا. ۳۱۳

فصل بیست و هشتم: موکش. ۳۱۷

فصل بیست و نهم: آلیشیا. ۳۲۵

فصل سی ام: موکش. ۳۲۹

فصل سی و یکم: آلیشیا. ۳۳۷

فصل سی و دوم: موکش. ۳۴۱

فصل سی و سوم: آلیشیا. ۳۴۷

فصل سی و چهارم: آلیشیا. ۳۵۱

فصل سی و پنجم: موکش. ۳۵۷

فصل سی و ششم: آلیشیا. ۳۶۷

فصل سی و هفتم: موکش. ۳۷۱

بخش نهم

شوهر دلخواه. ۳۷۷

فصل سی و هشتم: آلیشیا. ۳۷۹

فصل سی و نهم: موکش. ۳۸۷

فصل چهل و یکم: موکش و آلیشیا. ۳۹۵

فصل چهل و یکم: آلیشیا. ۴۰۱

فصل چهل و دوم: موکش. ۴۰۵

فهرست کتاب: ننا. ۴۰۷

یادداشت نویسنده. ۴۱۱

سپاسگزاری. ۴۱۳

پیشگفتار

فهرست کتاب

۲۰۱۷

درها جدیدند: خودکار باز می‌شوند؛ چه شیک! آخرین بار که ایدین^۱ این‌جا بود درها خیلی فرق داشتند. اولین چیزی که نظرش را جلب می‌کند طبقه‌های نیمه‌خالی در قفسه‌های کتاب است. آن زمان که کوچک‌تر یا کوتاه‌تر بود ردیف کتاب‌ها به چشمش بی‌پایان می‌آمد؛ انگار آن موقع همه‌ی ردیف‌ها پر از کتاب‌های کوچک و بزرگ بود. حتی وقتی نوجوان بود و تابستان‌ها این‌جا کار می‌کرد هم این‌جا برایش مثل پناهگاه بود و با این‌که حاضر نبود چنین چیزی را پیش دوستانش اعتراف کند، عاشق این بود که لابه‌لای قفسه‌های نور در توی کتاب‌های مرجع گم شود. شاید حالا که خیلی از آن زمان گذشته، دارد خودش را با خاطرات محو و کمرنگ گول می‌زند و دوست دارد آن‌ها را در ذهنش قشنگ‌تر ببیند و دوست دارد فکر کند این‌جا سرزمین عجایب جادویی کتاب‌ها بوده؛ درحالی‌که نبوده. ولی حالا که بیست و دو ساله و مرد شده و دیگر پسر بچه نیست، دوباره این جاست و دنبال جایی برای پنهان شدن می‌گردد؛ از دست دنیا، دوستانش و خانواده‌اش.

وقتی از در وارد می‌شود، کتابدار برای لحظه‌ای سرش را بالا می‌گیرد و لبخند می‌زند. سکوت به ایدین خوشامد می‌گوید. در یاد او این‌جا هرگز سکوتی به خود ندیده است؛ البته این‌جا کتابخانه است، پس... همیشه ساکت بوده ولی همواره آن زمزمه‌ی آرام را با خود داشت؛ صدای راه رفتن آدم‌ها، بچه‌هایی که در گوش مادرشان پیچ می‌کنند، صدای ورق خوردن کتاب و جابه‌جاشدن صندلی روی زمین و همچنین صدای وول خوردن، سرفه و فغ‌فغ کردن. امروز زیاد خبری از این صداها نیست. کسی دارد تیلیک‌تیلیک با گوشی چیزی تایپ می‌کند. صدای تق‌تق صفحه‌کلید کهنه‌ی کتابدار هم شنیده می‌شود. هیچ صدای دیگری نیست. این

اواخر متوجه پوسترهایی شده بود که این جا و آن جا در تابلوهای اعلان محلی می چسباندند و از مردم می خواستند کمک کنند و کتابخانه ی برنت^۱ را نجات دهند؛ مثلاً در تابلوی اعلان فروشگاه تسکویا در باشگاه. حتی در ایستگاه هم پوستر را چسبانده بودند و روی آن چیزی درباره ی فروش کیک و یا شرکت در باشگاه بافندگی کتابخانه و جلسه و امضا کردن دادخواست و... برای کمک به کتابخانه نوشته بودند. البته هرگز به ذهنش خطور نمی کرد که کتابخانه ی خیابان هرو واقعاً نیاز به نجات دادن داشته باشد. در ذهنش این جا همیشه شلوغ و محبوب بود، ولی حالا که این جاست قلبش هری می ریزد. شاید نوبت بسته شدن کتابخانه ی خیابان هرو شده باشد.

به سمت قسمت کتاب های داستانی می رود؛ بخش جنایی. انگشتش را روی عطف کتاب ها می کشد و روی بالا آمدن آب سیاه^۲ نوشته ی آتیکا لاک^۳ متوقف می شود. سال ها قبل یک بار این کتاب را خوانده است؛ شاید هم بیشتر از یک بار. شروع می کند به ورق زدن کتاب و دنبال راه گریز خود می گردد که خاطرات ناگهان به او هجوم می آورند... خاطره ی هیوستونی که آتیکا لاک توصیف کرده بود؛ شهری زنده، رنگارنگ، سیاه و پر از تصادف و تقابل ها. امروز به چنین حس آشنایی نیاز دارد. نیاز دارد یک قدم وارد دنیای ترس، داستانی پوچی و خم و پر از تغییر مسیر شود ولی حداقل این جا دنیایی است که می داند داستانش چطور تمام می شود. نیاز دارد بداند پایان چگونه است. حداقل پایان یک چیز.

میزی که یک زمان در بچگی به سختی از صندلی اش بالا می رفت، دیگر این جا نیست. جای همه چیز تغییر کرده است. هیچ چیز فقط محض خوشحال کردن او همان طور که بود نمانده؛ نه این جا و نه در زندگی واقعی. این هم یک تابستان بد دیگر است. کلمات کتاب اما روی سرش می ریزند و او جمله ها را با انگشت دنبال می کند و سعی می کند همان حسی را در آن پیدا کند که در خانه ماندن تیره ی دوره ی بچگی و ریشه دواندن در یک نقطه از خانه و چیزی بیشتر از یک جسم نبودن داشت؛ حسی هایی که در لحظات خواندن کلمات داشت؛ لحظاتی که ذهنش می توانست به جای او قدم زنان به جای دیگری برود. احساس می کرد داستان دارد

1. Brent

2. Black Water Rising

3. Attica Locke